



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم أدله ای کتاباً و سنتاً و عقلاً و اجماعاً بر بطلان بیع فضولی اقامه شده است ، بحث ما فعلاً در روایاتی می باشد که مانعین صحت بیع فضولی برای بطلان آن ذکر کرده اند .

خبر اولی که در این رابطه خواندیم حدیث : « لا تبع مایس عندک » بود که آن را مورد بررسی قرار دادیم و جوابش را نیز عرض کردیم .

شیخ اعظم انصاری(ره) در مکاسب چهار خبر را ذکر کرده که مانعین ، بطلان بیع فضولی را از آنها استفاده کرده اند و سپس از آنها جواب داده است :

خبر اول : توقیع امام حسن عسکری علیه السلام است که در جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ص ۲۵۲ واقع شده است و خبر ۱ از باب ۲ از ابواب عقد البیع و شروطه می باشد .

خبر دوم : ما عن الحمیری است که در جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ص ۲۵۰ واقع شده است و خبر ۸ از باب ۱ از ابواب عقد البیع و شروطه می باشد .

خبر سوم : صحیحه محمد بن مسلم است که در جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ص ۲۴۹ واقع شده است و خبر ۳ از باب ۱ از ابواب عقد البیع و شروطه می باشد .

خبر چهارم : صحیحه محمد بن القاسم بن فضیل است که در جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ص ۲۴۹ واقع شده

است و خبر ۲ از باب ۱ از ابواب عقد البیع و شروطه می باشد .

خبر اول یعنی توقیع عسکری علیه السلام را خواندیم ، خبر این بود : « محمد بن الحسن الطوسی باسناده عن محمد بن الحسن الصفار أنه كتب إلى أبي محمد الحسن بن علي العسکری علیهما السلام فی رجل باع قطاع أرضین فیحضره الخروج إلى مكة والقرية علی مراحل من منزله ، ولم یکن له من المقام ما یأتی بحدود أرضه ، وعرف حدود القرية الأربعة ، فقال للشهود : اشهدوا أني قد بعث فلانا - یعنی المشتري - جميع القرية التي حد منها کذا ، والثانی والثالث والرابع وإنما له فی هذه القرية قطاع أرضین ، فهل یصلح للمشتري ذلك وإنما له بعض هذه القرية وقد أقر له بکلها ؟ فوقع علیه السلام ، لا یجوز بیع ما لیس یملک وقد وجب الشراء من البایع علی ما یملک » .

عمده جواب آن است که این خبر و سه خبر دیگر قضیه فی واقعة هستند یعنی یک قضیه ای واقع شده و سپس از حکم آن سوال شده و حضرت در جواب فرموده : چیزی را که مالکش نیستی فروش و دیگر در مقام بیان صحت و بطلان بیع فضولی نمی باشد بنابراین نمی توانیم به این بر بطلان بیع فضولی استدلال کنیم زیرا خبر مذکور به کیفیت بیع و چگونگی صحت و بطلان آن نظر ندارد لذا در مقام بیان نیست بلکه فقط می خواهد بگوید چیزی را که مالکش نیستی فروش ، بعلاوه اولاً این خبر مربوط به عین شخصی است و قبلاً شیخ اعظم انصاری فرموده بود که بحث ما در کلی فی الذمه نیز می

باشد و دیگران مثل صاحب جواهر نیز بحثهایی را درباره عین شخصی بودن و کلی فی الذمه بودن مطرح کردند که بحثش گذشت ، ثانیاً باید عرض کنیم که ما تنها همین چهار خبر را نداریم که آنها را دلیل قرار بدهیم بلکه ما اخبار صحیحه ی دیگری در مقابل این اخبار اربعة داریم که بر صحت بیع فضولی دلالت دارند بنابراین ما باید تمام اخبار در ابواب مختلف را در نظر بگیریم و سپس بین آنها جمع دلالی کنیم و اگر نشد سراغ مرجحات سندی و اگر نشد سراغ مرجحات خارجی برویم .

خبر دوم یعنی خبر حمیری این خبر است : « أحمد بن علی بن ابي طالب الطبرسی فی (کتاب الاحتجاج) عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری أنه كتب إلى صاحب الزمان عليه السلام أن بعض أصحابنا له ضیعة جدیدة بجنب ضیعة خراب للسلطان فیها حصة وأکرته ربما زرعوا وتنازعوا فی حدودها ، وتؤذیهم عمال السلطان وتعرض فی الكل من غلات ضیعة ، وليس لها قيمة لخرابها ، وإنما هی بائرة مند عشرين سنة ، وهو يتخرج من شرائها لأنه یقال : إن هذه الحصنة من هذه الضیعة كانت قبضت من الوقف قديما للسلطان ، فان جاز شراؤها من السلطان كان ذلك صوتاً وصلاً له وعمارة لضيعة وانه یزرع هذه الحصنة من القرية البائرة یفضل ماء ضیعتة العامرة ، وینحسم عن طمع أولیاء السلطان ، وإن لم یجز ذلك عمل بما تأمره به إنشاء الله ، فأجابہ : الضیعة لا یجوز ابتیاعها إلا من مالکها أو بأمره أو رضی منه » .

قبلاً عرض کردیم که احتجاج طبرسی کتاب بسیار خوبی است ولی اکثر اخبارش مرسل می باشد و همان طور که می بینید حضرت در این خبر فرموده : « لا یجوز ابتیاعها (الضیعة) إلا من مالکها أو بأمره أو رضاً منه » .

جواب : اولاً این خبر یک قضیه شخصی است که واقع شده و حضرت از آن جواب داده اند و ثانیاً ما نیز مطلب

مذکور در خبر را قبول داریم منتهی این خبر در مقام بیان کیفیت بیع از جهت صحت و بطلان نیست لذا با صحت بیع فضولی منافات ندارد زیرا در بیع فضولی نیز رضایت مالک ملحق می شود .

خبر سوم یعنی صحیحه محمد بن مسلم این خبر است : « وعنه، عن الحسن بن محبوب ، عن العلاء ، عن محمد بن مسلم ، عن ابي جعفر عليه السلام فی حدیث قال : سأله رجل من أهل النیل عن أرض اشتراها بغم النیل وأهل الأرض یقولون : هی أرضهم ، وأهل الأسنان یقولون : هی من أرضنا ، فقال : لا تشتريها إلا برضا أهلها » . همان جواب قبلی از این خبر نیز داده می شود .

خبر چهارم یعنی صحیحه محمد بن القاسم این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن أحمد بن محمد ، عن أبيه ، عن البرقی ، عن محمد بن القاسم بن الفضیل قال : سألت أبا الحسن الأول علیه السلام عن رجل اشتری من امرأة من آل فلان بعض قطائعهم ، وكتب علیها کتاباً بأنها قد قبضت المال ولم یقبضه فیعطیها المال أم یمنعها ؟ قال : قل له لیمنعها أشد المنع فإنها باعته ما لم تملكه » . همان جواب قبلی از این خبر نیز داده می شود ، خلاصه اینکه این چهار خبر بر بطلان بیع فضولی دلالت ندارند .

با توفیق پروردگار بحث مربوط به بطلان بیع فضولی از نظر سنت و أدله ای که مانعین صحت بیع فضولی از سنت ذکر کرده اند به پایان رسید ، بقیه بحث بماند برای سال تحصیلی بعدی إن شاء الله تعالی ، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته ...